

نقش ادب در بهبود روابط اجتماعی

نرگس ماستری^۱

چکیده

آداب معاشرت ابزار نیرومندی است که به منظور ارتباط بهتر و مؤثرتر به کار گرفته می‌شود. به کارگیری این آداب در زندگی و معاشرت با دیگران موجب هماهنگی هر چه بیشتر افراد می‌شود و پذیرش انسان‌ها را نسبت به یکدیگر بالاتر می‌برد. شیوه برخورد و رفتار انسان‌ها کیفیت ارتباطی آنها را رقم می‌زند. بنابراین، در صورتی که همه افراد آداب مشخص و سالمی را در برقراری ارتباط با هم در پیش بگیرند، بازخوردهای مناسبی به یکدیگر می‌دهند و در نهایت آرامش بیشتری بر روابطشان حاکم می‌شود. به لحاظ اهمیت این موضوع در زندگی روزمره و روابط بین فردی، بر آن شدیم تا در این مقاله بخش‌هایی را به نکات مهم و ارزشمند آداب معاشرت اختصاص دهیم.

کلمات کلیدی: ادب، روابط اجتماعی، ارتباطات، تعاملات اجتماعی

مقدمه

آداب، به ظاهر ساده ترین و جزیی ترین رفتارها و گفتارهای آدمی را شامل می‌شود، وقتی در ارتباط با امور اجتماعی باشند، رعایت آنها اهمیت بیشتری می‌یابد و حتی زینت بخش بسیاری از روابط و برخوردهای اجتماعی نیز خواهد بود. در واقع شخصیت درونی انسان‌ها از لابه لای همین اعمال و رفتار به ظاهر ساده جلوه گر می‌شود. همچنین مراعات آداب اجتماعی راهکار مناسبی برای پیش‌گیری بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی است و می‌تواند از آن به عنوان یک شاخص توسعه یافتگی فرهنگی یاد کرد. برای ساختن جامعه ایدئال فرهنگی و مبادی آداب انسانی اجتماعی نیز لازم است افراد، هرچه بیشتر به رعایت چارچوب‌های آداب اجتماعی پای بند باشند. در این میان، بر رسانه‌های ملی اعم از شنیداری - دیداری و مکتوب فرض است که در قالب‌های جذاب به شیوه مستقیم و غیرمستقیم، به آموزش آسان و همگانی آداب اجتماعی همت گمارند. البته شایسته تر آن است که آداب اجتماعی در نظر گرفته شده برای آموزش، دقیق، علمی باشد، تا در جامعه آثار منفی بر جای نگذارد. در پژوهش حاضر، پژوهشگر ارجمند آقای حسین بافکار با نگرشی نو به روش‌ها و کارکردهای آداب اجتماعی اسلام می‌کوشد، دستمایه‌ای مناسب برای برنامه‌سازان نیک اندیش و والاهمت رسانه ملی فراهم آورد. امید است که این تلاش به بار نشیند.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه شهید مطهری ره، استان البرز، ۰۹۲۲۴۰۹۵۵۰۵

۱- مفهوم شناسی

توجه به موضوع مقاله حاضر که نقش ادب در بهبود روابط اجتماعی است، به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی ادب، در این مقاله پرداخته شده است.

ادب در لغت به معنی ظرف و مظروف، صلاح نفس، تهذیب اخلاق و طعمی که برای مدعوین حاضر می شود و علمی آمده است که با آن از خطای لفظی و کتبی از کلام عرب حفظ حاصل می شود.^۱

شیخ اللغویین، اسماعیل جوهری در کتاب صحاح اللغه نوشته است: ادب دارای دو معنی است: یکی مربوط به الفاظ که باید به درس و کسب و تحصیل حاصل نمود. این ادب، معهود نزد خود ماست و دیگری، ادبی است که حقیقت انسانیت با آن پرورش یابد که برتر از الفاظ و اصطلاحات می باشد و آن را در لغت، ادب نفس می خوانیم، به معنایی [مانند آنچه] که رسول گرامی اسلام و شاگردان مکتب معنوی اش آورده اند. در معنی اول، ادب را به معنی حد و اندازه نگاه داشتن و دانش نیز می توان به کار برد [که آن را علم ادب گویند].^۲

در لغت، ادب به معنی دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده و خوی خوش به کار رفته است که جمع آن، آداب است.^۳ علم ادب نیز علمی است که انسان با داشتن قواعد آنها می تواند درست شعر بگوید و خوب چیز بنویسد و عبارت است از: علم لغت، صرف و نحو، اشتقاق، معانی بیان، بدیع، عروض و قافیه.^۴

ادب در اصطلاح، معامله انسان با دیگران به لطف، محبت، خوش رویی و صداقت و مراعات احترام دیگران به نسبت موقعیت و جایگاه خود است. ادب، ملکه ای است که اگر در وجود انسان پیدا شود، با آن می تواند خود را از چیزهایی که موجب ننگ انسان می شود، باز دارد و به دستورهای لازم درباره آداب معاشرت با مردم عمل کند. در این صورت، ناسزایی در گفتار و ناروایی در کردار، در او به وجود نمی آید. همچنین به وسیله آن ملکه، از کلمات و اشاراتی که عواطف و علاقه مندی های دیگران را از خود دور می سازد، پرهیز می کند. همچنین روح حیات در کالبد صاحبش می دمد و اوست که زمینه ترقی هر شخص و قوم و ملتی را فراهم می سازد.^۵

بر این اساس، حفظ اندازه هر مورد و تجاوز نکردن از آن را می توان ادب آن مورد گفت. برای مثال، انسان باید چیزی را که موجب ذلت اوست، بر زبان نیاورد. بنابراین، اگر کسی ناسزا بگوید، چون زبان او حد و مرز خود را رعایت نکرده، از ادب زبان خارج شده است و می توان او را بی ادب نامید.

۱ الحاج وجدانی، آداب معاشرت (راهنمای انس و مودت)، قم، چاپ خانه حکمت، ص ۴۹.

۲ محمود بامداد، ادب چیست؟ ادیب کیست؟، تهران، مؤسسه انتشاراتی و مطبوعات اشرفی، ص ۱۴. (با تخلص)

۳ محمد بهشتی، فرهنگ صبا، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۷۱، ص ۶۳.

۴ همان.

۵ آداب معاشرت (راهنمای انس و مودت)، صص ۴۹ و ۵۰.

۱-۱ تعامل اجتماعی

انسان موجودی نیازمند است. بخشی از داشته های متمایز انسانها مورد نیاز انسانهای دیگر است. انسانها به سبب این نیازمندی متقابل خواستار بهره مندی از هموعان خود میشوند و برای این کار به تعامل اجتماعی روی می آورند؛ بنابراین تعامل اجتماعی، لازمی بهره گیری از انسانهای دیگر و در نتیجه لازمی رفع بخشی از نیازهای انسان است. (اسکیدمور، ۱۳۸۵؛ ترنر ج. ا، ۱۳۷۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۹)

رفتار، عبارت است از حرکتی بر اثر محرک یا، انگیزه به طور خود آگاهانه یا ناخود آگاهانه و رفتار معنادار، کنش یا عمل نام دارد (ویر، ۱۳۸۴، ص. ۳) و اگر عمل انسان به سوی شخص یا گروهی دیگر جهت گیری شده باشد و «دیگری» در انجام دادن این عمل و نحوه آن مورد نظر باشد؛ به چنین عملی «عمل اجتماعی گویند و هرگاه عمل اجتماعی دوسویه باشد، تعامل اجتماعی ۴» یا «کنش متقابل «اجتماعی» نامیده می شود. (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵، ص ۶۹؛ روشه، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۱)

۲- اهمیت تعاملات اجتماعی

تعامل اجتماعی، لازمی بهره گیری از انسانهای دیگر و رفع برخی نیازهای انسان است. زندگی اجتماعی، در بدو امر و در حداقل آن یعنی همین تعاملات اجتماعی همچنین از اشخاص تشکیل دهنده ی یک گروه که بگذریم، تعامل پایه ای ترین عنصر برای تشکیل هر گروه است زیرا گروه اجتماعی عبارت است از اشخاص دارای تعامل نسبتاً مستمر با احساس پیوند. طبق تعریف اولین شرط لازم تشکیل گروه، وجود اشخاص انسانی متعامل است که در صورت استمرار یافتن تعاملاتشان و ایجاد احساس پیوند گروه را به وجود میآورند. از آنجایی که هر سازمان، اجتماعی هر اجتماع و هر جامعه ای، یک گروه اجتماعی است، پس تعامل، برای تشکیل هر کدام از اینها نیز پایه ای ترین عنصر و سنگ بنا است. علاوه بر هنجار، سایر عناصر فرهنگ نیز محصول تعامل است - یعنی عمل اجتماعی دوسویه - رفتاری معنادار است «معانی» مشترک میان اشخاص فرهنگ است. رسیدن به توافق بر سر اشتراک در باورها، ارزشها، هنجارها و نمادها، نیازمند تعامل اجتماعی اعضای یک گروه و جامعه است؛ بنابراین تعامل اجتماعی علاوه بر هنجار، سایر عناصر فرهنگ یعنی باورها و ارزشهای اجتماعی و نمادها را خلق می کند. عناصر فرهنگ (باور، ارزش نماد و هنجارها طی فرایند جامعه پذیری به اعضای تازه وارد یک جامعه، منتقل می شود و با استقرار در فرد، انسانی شخصیت به وجود میآید جامعه پذیری فرایندی است مملو از تعاملات اجتماعی میان جامعه پذیر کنندگان و جامعه پذیر شونده و بنابراین بدون این تعاملات انتقال فرهنگ و ایجاد شخصیت ممکن نیست. فرهنگ، چون ذهنیت ها و عواطف مشترک» است پس توافق شده است و در نتیجه اگر در فرایند

جامعه پذیری منتقل نشود، یعنی توافقات قبلی یک جامعه، منتقل نمیشود و در نتیجه نظم و آثار آن حاصل نمیشود؛ اما جامعه پذیری همیشه و برای همه ی اعضای گروه و جامعه، به طور کامل انجام نمیشود و در نتیجه کج روی از هنجارها رخ میدهد که لازم است با کنترل اجتماعی، از کج روی جلوگیری شود. یکی از آثار تعامل، توافق بر نظارت و مجازات متخلفین و اعمال این مجازات است و در نتیجه اگر تعاملات مختل باشند هم ممکن است توافق بر سر معیارهای نظارت و کنترل و میزان و نوع مجازات و ... حاصل نشود و هم اعمال مجازات ممکن نشود.

از آنچه گفتیم باید نتیجه گرفت که تعامل و کم و کیف آن دارای اثر است و در یک دسته بندی کلی، آثار آن شامل آثار فردی و جمعی و آثار درونی و بیرونی است. در نهایت باید توجه کرد که آثار تعامل انسانها بر عمل و تعامل های بعدی او و نیز بر «نتیجه ی عمل و تعاملات بعدی او اثر دارد. اثر عمل ممکن است خواسته و پیش بینی شده باشد و ممکن است ناخواسته و پیش بینی نشده باشد. ساختن جامعه و فرهنگ آن گونه که مطلوب اعضایش است، نیازمند تبدیل هرچه بیشتر آثار ناخواسته به آثار خواسته، از طریق عمل و تعامل آگاهانه است. انسانها با عمل و تعامل آگاهانه خواهند توانست جامعه و فرهنگی «خوب بسازند و به نسلهای بعد تحویل دهند.

از منظر دینی نیز اجتماع فراهم آمده از مؤمنین اجتماعی مملو از تعامل گرم نابرابر است از آیات ابتدایی سوره ی بقره، فهمیده می شود که متقین در بعد اعتقادی به اصول دین ایمان دارند و در بعد عملی نماز می خوانند و در بعد عمل اجتماعی، تعامل گرم نابرابر مشخصه ی آنها است و میتوان گروه اجتماعی یا جامعه ی فراهم آمده از متقین را جامعه ای با مشخصه ی رواج و عمومیت تعاملهای گرم نابرابر دانست. در جامعه ای که تعاملات خنثی و سرد جریان دارد؛ یعنی اشخاص متقی نیستند و بسیاری از آنان اهل جهنمند تعاملات سرد برابر و نابرابر از جنس حرامها در اسلام است البته آن دسته از حرامهایی که درباره ی تعاملات انسانها با یکدیگر است. مثلاً دزدی، دروغ، غیبت، تهمت و قتل، همگی تعاملات سردند و همه ی آنها در شرع اسلام حرام و ممنوع اعلام شده اند. به لحاظ وجودی، واقعیت اجتماعی در نخستین گام تکوین عبارت است از افراد دارای کنشهای متقابل، اصطلاحاً تعامل و در گام های بعدی اجزاء دیگر واقعیت بر این شالوده حمل شده و واقعیتهای مختلفی را ایجاد می کنند. همان طور که گفته شد، سنگ بنای اجتماع و جامعه عمل اجتماعی دو یا چند سویه (تعامل) است و بدون آن جامعه و گروه اجتماعی وجود نخواهد داشت. و بر به عنوان یکی از مهمترین پیشگامان جامعه شناسی، دریافت که «واقعیت پشت ساختارهای کلان جامعه به واسطه کنشهای دوسویه بین مردم ساخته شده باز تولید میشود و تغییر میکنند.» (ترنر ج. ، ۱۳۹۳، ص. ۴۰۳) همچنین زیمل معتقد است جامعه در جایی وجود دارد که شماری از افراد وارد تعامل می شوند.» (زیمل، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۰) او جامعه را با تعامل یکی میگیرد. «جامعه همان نامی است برای تعدادی از افراد که از طریق کنش متقابل به یکدیگر پیو (کوزر، ۱۳۸۵، ۲۴۸ مید به عنوان یکی از صاحب نظران کنش متقابل

، گرای جامعه را یک پدیده ساخته شده می بیند که از کنش های دوسویه همکارانه افراد بر می خیزد.» (ترنرج. ، ۱۳۹۳) همچنین گیرشه بیان می کند: «در نظر جامعه شناس آنچه جامعه نامیده میشود و همان طور که پیازه میگوید «مجموعه افرادی نیست که به وسیله قرارداد یا توافق به یکدیگر پیوسته اند. برای جامعه شناسی جامعه تکثر روابط متقابل افراد انسانی است که بافت اساسی و بنیادی جامعه را تشکیل داده و بدان هستی و زندگی بخشیده اند.» (روشه، ۱۳۹۳، ص. ۲۵) یا شارون تعامل را سنگ بنای جامعه می داند: «هسته اصلی جامعه را کنش متقابل تشکیل میدهد؛ یعنی تعاملی که مردم با یکدیگر دارند. مانند همکاری کردن، ارتباط برقرار کردن، شدن، استدلال کردن، مذاکره کردن سازش کردن و تأثیر گذاردن مردم باید کنش متقابل داشته باشند تا جامعه پدید آید و دوام یابد. آنجا که کنش متقابل اجتماعی پایان یابد، جامعه نیز پایان می یابد.» (شارون، ۱۳۸۶، ص. ۷۷)

۳- آثار ادب در تعاملات اجتماعی

برخوردهای عمومی نظیر گفتن سلام، سخن گفتن، شنیدن، شوخی کردن، شرکت در مجالس عمومی، مشورت و... تابع آداب خاصی است که در این مبحث درباره آن سخن می گوئیم.

- آداب سلام کردن

سلام، اولین کلمه احترام آمیز در برخوردهای اجتماعی است که هیچ زحمت و دردسری برای گوینده آن ندارد، ولی آثار ارزشمند فراوانی دارد. چه بسیار دوستی های ارزنده و گران بهایی که در پرتو سلام آغاز شده است و چه بسیار دشمنی هایی که با سلام گفتن از بین رفته است.

اگر کسی به مسلمان فقیری، همانند سلامی که به یک ثروتمند می دهد، سلام ندهد، خداوند عزوجل در روز قیامت علیه او خشمناک خواهد بود. ^۸پنچ - میانه روی در سلام نکته دیگر در آداب سلام، پرهیز از افراط و تفریط در سلام است. گاهی سلام به اندازه ای همراه با احترام است که بیشتر به تظاهر و ریا و چاپلوسی می ماند و گاهی نیز به تناسب موقعیت معنوی افراد، سلام مناسبی به آنها داده نمی شود که هر دو نارواست. باید به تناسب معنوی هر کس به او سلام کرد. اگر سلام فقط احترام ظاهری باشد و در دل به مؤمنان ارادت نداشته باشیم، این کار، نفاق و دورویی است. همچنین اگر به آنها بی اعتنایی کنیم و در حدّ ارادت قلبی، به شایستگی سلام ندهیم، کوتاهی کرده ایم. پس شایسته است که حدّ هر کسی را رعایت کرد و از افراط و تفریط در سلام پرهیز شود. ^۹امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید:

لَا تَبْلُغْ فِي سَلَامِكَ عَلَى الْإِخْوَانِ حَدَّ النِّفَاقِ وَلَا تَقْصُرْهُمْ عَنْ دَرَجَةِ الْإِسْتِحْقَاقِ.^{۱۰}

در سلام دادن به برادران [دینی] نه در حدّ ریا غلو کنید و نه از اندازه شایستگی شان کوتاهی ورزید. شش - خودداری از سلام دادن به برخی افراد در آداب اسلامی، سلام کردن به چند گروه استحباب ندارد، از جمله:

۵-۲ کاهش نقش تربیتی خانواده ها و پای بندنبودن به ادب

خانواده، نهاد پرورش انسان است و در تکوین شخصیت افراد و رشد اجتماعی فرزندان و ادب آموزی آنان نقش مهمی ایفا می کند. «متأسفانه در دهه های اخیر، نقش ارزنده خانواده در تربیت و ادب فرزندان با ورود الگوهای غربی آسیب دیده است. اینک بسیاری از پدران و مادران با نام نویسی فرزندان خود در یک مدرسه، مسئولیت خویش را در رابطه با تربیت و ادب آموزی پایان یافته می پندارند. بدین ترتیب، برای آموزش ارزش های اخلاقی و آداب اجتماعی به فرزندان، زمان کافی اختصاص نمی دهند. همچنین گاهی پدر و مادر، هر دو شاغل هستند. ازاین رو، فرزندان خود را به مهد کودک می سپارند. بدین ترتیب هنگامی که به خانه برمی گردند، به دلیل خستگی ناشی از زندگی ماشینی، برای رسیدگی به فرزندان خود وقتی نمی یابند»^۱.

«از سوی دیگر، با دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی، ساختار سنتی نظام خانواده تغییر کرده که موجب [بی اعتنایی] اعضای خانواده نسبت به نظام ارزشی و اعتقادی مورد احترام شده است. برای مثال، اگر در گذشته، پذیرش خواست و نظر بزرگ سالان، همچون پدر و مادر، در نظام سنتی خانواده، یک اصل پنداشته می شد، اکنون این اصل مورد تردید قرار گرفته است. دید و بازدید بزرگان خانواده در ایام و مناسبت های گوناگون نیز از همین موضوع پیروی می کند. احترام به سنن خانوادگی از آن جمله مراسمی که خانواده در ایام سوگواری یا جشن بر پا می دارد و پیروی از ارزش های اعتقادی بزرگان خانواده از دیگر مواردی است که نزد نسل حاضر مورد تردید قرار گرفته است. موارد ذکر شده، کاهش پایبندی اعضای خانواده به اصول و ارزش های مورد احترام را در ذهن نمایان می سازد».

۵-۳ جایگزین شدن ردائل اخلاقی مانند تکبر در وجود انسان

خودبزرگ بینی، از آفات بزرگ اخلاق و از زشت ترین خصلت هاست که انسان از پی آمدهای ناگوار آن باید به خداوند متعال پناه ببرد؛ زیرا زمینه ساز خشم خدا و خلق او می شود. فرد متکبر، نه فقط بر هم نوعان خود فخرفروشی می کند، بلکه حتی بر نزدیکان و خویشان خود نیز احساس خودبزرگ بینی و برتری دارد. این صفت زشت چنان است که امام علی (ع) در نکوهش آن می فرماید: «مَنْ لَبَسَ الْكِبَرِ وَالسَّرَفَ خَلَعَ الْفَضْلَ وَالشَّرَفَ؛ کسی که جامه تکبر و اسراف بر تن کند، خلعت زیبایی فضیلت و شرف را از تن بیرون کرده است»^۱.

انسان متکبر به دلیل اینکه دیگران را هم شأن خود نمی داند، تقریباً رفتارهایش بی ادبانه است. محدث قمی در این باره می نویسد:

^۱ غررالحکم ودرر الکلم آمدی (به صورت موضوعی)، ج ۲، ص ۳۶۲.

شخص خودپسند، خود را همیشه بزرگ می بیند و به دیگران به دیده حقارت می نگرد. در هیچ کاری میل ندارد با مردم برابر باشد. او می خواهد در راه، از همه جلوتر برود. در مجالس و محافل، بالاتر از همه بنشیند، انتظار دارد همه به او سلام کنند، اگر کسی به او نصیحتی کند، خشمگین می شود و اگر او کسی را نصیحتی کند، زجر می دهد. اگر حرفش را نپذیرند، غضبناک می شود. اگر درس بدهد، شاگردانش را تحقیر و توهین می کند و بر آنها منت می گذارد و آنان را نوکران خود می پندارد.^{۲۱}

چنین افرادی باید بدانند انسان با بزرگ‌نمایی، بزرگ و عزیز نمی شود. اگر چنین بود، شیطان از همه بزرگ تر و عزیزتر بود. پس اگر طالب احترام و بزرگی هستند، راه آن، رعایت احترام و ادب با مردم است.

۱- راه های فرهنگ سازی ادب در اجتماع

برای کاهش رفتارهای بی ادبانه و ترویج رفتارهای مؤدبانه در جامعه، همه افراد، خانواده ها و دستگاه‌های فرهنگی کشور، مسئولیت هایی دارند که باید بدان عمل کنند. در این مبحث به اختصار به شرح مسئولیت های هر یک می پردازیم.

۷- مسئولیت افراد جامعه

برای حاکم شدن روابط عالی انسانی در جامعه و کاهش پلیدی ها و زشتی ها، هر یک از افراد جامعه وظایفی دارند که باید به آن آگاه باشند و عمل کنند. مهم ترین آنها چنین است: الف) توجه به زشتی امور و پرهیز از آن امام علی(ع) در فرمایشی وزین می فرماید:

«برای ادب کردن خویشان، همان پرهیز کردن از آنچه برای دیگران خوش نداری کافی است»^۱. افراد جامعه برای اینکه شخصیت محبوب و مقبولی داشته باشند، کافی است هر کاری را که دیگران انجام می دهند و او متوجه زشتی و ناپسندی آنها می شود، انجام ندهند. از حضرت عیسی(ع) پرسیدند: «چه کسی تو را ادب کرد؟» فرمود: «هیچ کس مرا ادب نیاموخت، بلکه زشتی نادانی را دیدم و از آن دوری گزیدم»^۲.

در واقع، باید از زشتی های دیگران آموخت و به خوبی ها و زیبایی روی آورد. استاد اخلاق ما در درون خودمان نهفته است. ب) بالا بردن علم و آگاهی ادب از فهم سرشار و ادراک حقایق سرچشمه می گیرد و بی ادبی از نادانی، چنان که امام علی(ع) می فرماید: «چون دانش آدمی فزونی گیرد، ادبش افزون گردد»^۳. افراد جامعه باید به افزایش دانش خود اهتمام ورزند تا جامعه ای با انسان های مؤدب داشته باشیم. ج) هم نشینی با علما (دانشمندان) هم نشینی با دانشمندان و افراد مؤدب، زمینه ساز افزایش ادب و رفتارها و گفتارهای مؤدبانه است،

^۱ تعالیم آسمانی اسلام، ص ۱۸۸، به نقل از: سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۵۹.

چنان که امام علی(ع) می فرماید: «جالس العلماء یزدد علمک و یحسن أدبک و تزک نفسک؛ با دانشمندان مجالست کن تا دانت، افزون، ادب تو، نیکو و جانت، پاکیزه گردد»⁴.

مسئولیت دستگاه های فرهنگی

دستگاه های فرهنگی کشور، سومین رکن بعد از خود فرد و خانواده هستند که می توانند در ترویج رفتارها و گفتارهای مؤدبانه در جامعه نقش مهمی داشته باشند. در این میان، نقش نظام آموزش و پرورش، رسانه ملی و سازمان تبلیغات اسلامی از دیگران پررنگ تر است. الف) وظایف نظام آموزش و پرورش وزارت آموزش و پرورش می تواند با بهره گیری از آموزه های غنی اسلام، آداب اسلامی را در متن کتاب های درسی بگنجانند و هر چه بیشتر دانش آموزان را با آداب فردی و اجتماعی آشنا سازد. همچنین با تشکیل کلاس های آموزش خانواده در مدارس والدین را هر چه بیشتر با آداب اسلامی و روش های درست به کارگیری آن آشنا کند و از آنان بخواهد الگوی مناسبی برای ادب آموزی به فرزندانشان باشند. مهم تر از همه باید به رعایت ادب در رفتار و گفتار مدیران و معلمان مدارس اشاره کرد. ب) وظایف رسانه ملی رسانه ملی در نخستین اقدام برای ترویج ادب در جامعه، بهتر است از تهیه و پخش برنامه هایی که به گونه ای مروج رفتارها و گفتارهای بی ادبانه در جامعه است، خودداری کند. در دومین اقدام نیز باید افکار و تصورات نادرست را در مورد ادب در جامعه بزداید. در نهایت، با برنامه سازی مناسب، مردم را با آداب فردی و اجتماعی اسلام و آثار اجتماعی و عملی آن آشنا سازد و آنان را به رعایت آن وادار کند. ج) وظایف سازمان تبلیغات اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی که مروج اندیشه های ناب دینی است، وظیفه دارد به شکل های مختلف از جمله تهیه، نشر و توزیع کتاب، مجله، بروشور، پلاکارد، آموزش و اعزام مبلغ و مربی به گوشه و کنار کشور، مردم را هر چه بیشتر با آداب اسلامی و اهمیت به کارگیری آن آشنا سازد. در این زمینه بهتر است از وزارت و فرهنگ ارشاد اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی و دیگر نهادها و سازمان های مرتبط هم کمک بگیرد.

۶- نتیجه

دوام و پایداری زندگی فردی و اجتماعی ما انسان ها به شدت به ارتباط ها و تعاملات اجتماعی هر کدام از ما بستگی دارد. اصلی که از دوران پیشین حاکم بوده و تا امروز نیز رسیده است. برقراری ارتباط در ابتدا به صورت یک نیاز نهفته در نهاد آدمی درک شد. سپس فرد در پی پاسخگویی به آن نیاز، راه حل مناسب را یافت و تعامل های بین فردی به تدریج شکل گرفتند. روابط عمومی ایجاد شده نه تنها به آن نیاز اولیه پاسخ می گفتند که نیازهای متعدد دیگری را نیز در افراد مرتفع می ساختند. ارتباط بین فردی نوعی فرح و نشاط را در ذات آدم ها به وجود می آورد و همین امر سلسله وار پیش رفته و روحی تازه بر کالبد زندگی دمیده می شود.

تعامل اجتماعی پایه ای ترین عنصر سازنده زندگی اجتماعی است و ویژگی آن، تعیین کننده ویژگی جامعه است. مشکلات تعاملی، عامل بنیادین انواع عدم تعادل های اجتماعی است. انگیزه نوشتار حاضر، انعکاس وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران - آن گونه که جامعه شناسان ادراک و گزارش کرده اند - است.

منابع

۱. آهنجیان، محمدرضا؛ منیدری، رمضانعلی، ۱۳۸۳، *رابطه های مهارت های ارتباطی مدیران با سلامت سازمانی*، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۶۰ - ۴۱.
۲. ترواث، رابرت؛ نیوپرت، جین، ۱۳۷۴، اصول مدیریت و رفتار سازمانی، ترجمه عین الله علاء، چاپ دوم با اصلاحات، تهران: انتشارات زوآر.
۳. حسینی نسب، داود؛ مصطفی پور، کبری، ۱۳۹۱، بررسی رابطه بین مهارت های ارتباطی مدیران با سلامت سازمانی مدارس شهرستان پارس آباد در سال تحصیلی ۸۹ - ۹۰، فصلنامه علوم تربیتی، شماره ۱۹، صص ۴۰ - ۲۷.
۴. رابینز، استیفن پی، ۱۳۸۵، رفتار سازمانی، ترجمه ی علی پارسایان و سید محمد اعرابی، جلد دوم، چاپ نهم، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، صص ۵۹۰ و ۵۸۴ و ۵۸۵.
۵. رضائیان، علی، ۱۳۹۰، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
۶. سید جوادین، سیدرضا، ۱۳۸۳، نظریه های مدیریت و سازمان، تهران: نگاه دانش، صص ۳۸۵ و ۳۸۴ و ۳۸۷.
۷. شعبانی، حسن، ۱۳۸۷، مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس)، جلد اول، تهران: نشر سمت.
۸. طبرستانی، غلامعلی، ۱۳۸۶، تئوری های مدیریت، تهران: مؤسسه آموزشی عالی آزاد پارسه، بهار، صص ۲۰۹ و ۲۰۸ و ۲۱۱ و ۲۱۳ و ۲۱۴.
۹. فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۸۵، ارتباطات انسانی، چاپ دهم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، جلد اول.
۱۰. فرید تنکابنی، مرتضی، نهج الفصاحه موضوعی (رهنمای انسانیت)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲.
۱۱. فولادگر، بهروز، ۱۳۸۴، مدیریت و ارتباطات، روزنامه همشهری، پنجشنبه ۳ شهریور، سال سیزدهم، شماره ۳۷۸۳، صص ۷ - ۱۰.
۱۲. فیض کاشانی، محسن، محجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، ۱۳۶۱.
۱۳. قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۹.
۱۴. قبادی، مجید، ۱۳۸۷، مهارت های ارتباطی، ماهنامه ی بانک ملی ایران، اسفندماه، شماره ۱۵۰.
۱۵. قرنی، علی، نصایح و مواعظ سودمند، قم، انتشارات صحف، چاپ اول، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
۱۶. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تحقیق: مجمع البحوث الاسلامیه، اشراف: علی اکبر الهی خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۷. _____، منتهی الامال، به کوشش: صادق حسن زاده، قم، مؤمنین، ۱۳۷۹.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، برگردان: سیدجواد مصطفوی، تهران، الوفاء، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۹. _____، کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۲۰. مارشال ریو، جان، انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی محمدی، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۶۷.

۲۱. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۲. مجدی، عطاءالله، هزار گوهر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۴. محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۵. محلاتی، سیدهاشم، ترجمه و شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی (موضوعی)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، برگردان: حمیدرضا شیخی، مرکز تحقیقات دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۲۷. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، بوستان کتاب، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، به کوشش: محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲۹. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، بی تا، تهران، صدرا.
۳۰. _____، داستان راستان (۲ جلدی)، تهران، صدرا، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸.
۳۱. _____، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۶۸.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و پنجاه درس زندگی، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۶۸.
۳۳. مورگان، جان، آیین آداب معاشرت (روان شناسی اجتماعی)، برگردان: جهانگیر افخمی، تهران، ارمغان، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۳۴. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸.
۳۵. میرعظیمی، سیدجعفر، حقوق والدین، قم، کتاب خانه حضرت ابوالفضل(ع)، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۳۶. نراقی، ملااحمد، معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۳۷. نقوی، علی محمد، جامعه شناسی سال دوم دبیرستان (کد ۲۴۲)، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۷.
۳۸. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۳۹. الوانی، سید مهدی، ۱۳۸۵، مدیریت عمومی، تهران: نشر نی، ص ۱۶۸ و ۱۸۰ و ۱۸۴.
۴۰. وجدانی، آداب معاشرت (راهنمای انس و مودت)، قم، چاپ خانه حکمت، بی تا.
۴۱. ورام ابن ابی فراس، ابوالحسین، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، بی تا.
۴۲. _____، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، بی تا. ب) نشریه ۱. عصاره، علی رضا، «آسیب شناسی ناشی از تحولات خانواده»، ماهنامه پیوند، تهران، انجمن اولیا و مربیان، تابستان ۸۷۱۳.